

(مقاله پژوهشی)

رابطه بین اخلاق فردی، اخلاق حرفه‌ای حسابداران، جنسیت و تمکین مالیاتی

بهنام کرماشاهی*، زینب اعظمی

گروه حسابداری مجتمع آموزش عالی بافت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

(تاریخ دریافت: 95/7/26، تاریخ پذیرش: 95/10/25)

چکیده

زمینه: اکثر تحقیقات انجام شده در زمینه فرار مالیاتی جنبه تأمین مالی عمومی و اقتصادی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و از نقطه نظر اخلاقی و فلسفی کمتر به این موضوع پرداخته شده است. از این رو در این پژوهش رابطه اخلاق فردی و اجتناب از پرداخت مالیات مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: پژوهش حاضر کاربردی از نوع پس رویدادی است. جامعه آماری شامل دانشجویان رشته‌های علوم اداری شهر کرمان می‌باشد. حجم نمونه تعیین شده به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش 520 نفر می‌باشد که به صورت تصادفی از جامعه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در پژوهش پرسشنامه استاندارد می‌باشد و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات از میانگین نمرات داده شده و مقایسه میانگین‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: براساس یافته‌های پژوهش حاضر، چنانچه افراد دولت را در تخصیص منابع دریافتی و مالیات‌های وصول شده ناکارآمد تشخیص دهند، اجتناب از پرداخت مالیات را اخلاقی‌تر دانسته و دولت را حائز شرایط اخذ مالیات از خود نمی‌دانند. یافته‌ها همچنین حاکی از این است که دانشجویان رشته حسابداری در مقایسه با دانشجویان رشته اقتصاد و مدیریت بازرگانی کمتر به اجتناب از پرداخت مالیات تمایل دارند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اگر دولت به مردم اطمینان دهد که منابع مالیاتی گردآوری شده در راستای خدمت رسانی بیشتر به آنها و سایر بخش‌های مولد اقتصاد پرداخت می‌شود، مودیان مالیاتی فرار از پرداخت مالیات را رفتاری به دور از ارزش‌های اخلاقی خواهند دانست.

کلید واژگان: اخلاق فردی، اجتناب از پرداخت مالیات، فساد سیاستمداران، انگیزه‌های شخصی

سر آغاز

با وصول مالیات عادلانه از مودیان، می‌توان بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور از جمله کسری بودجه سالانه، تورم و بیکاری را رفع و زمینه ایجاد عدالت اجتماعی² از طریق توزیع دوباره درآمدها را فراهم کرد(1). پدیده فرار مالیاتی که برگرفته از عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای می‌باشد؛ به‌عنوان یک ضد ارزش می‌تواند تهدیدی جدی برای فرهنگ مالیاتی و به تبع آن تداوم زندگی اجتماعی و تحقق رفاه اجتماعی باشد و به همین علت

اهمیت مالیات در تأمین هزینه تدارک کالاهای عمومی¹ و نقش آن در توزیع مجدد درآمد، از مباحث مورد توجه اقتصاددانان بخش عمومی است. لازمه تدارک بهینه کالاهای عمومی و بهبود توزیع درآمد توجه به تمکین از مالیات است. پرداخت مالیات یکی از عوامل رشد و توسعه جامعه است و موجب رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات و عمران و آبادانی کشور می‌شود.

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: behnamkaramshahi @ gmail.com

مالیات این است که اشخاص نسبت به اعضای دیگر جامعه مسئولیت دارند. زیربنای این باور این است که افراد نباید تنها مصرف کننده خدمات ارائه شده توسط دولت باشند و باید در ازای خدمات دریافتی وجه آن را پرداخت نمایند. منطق سوم این است که اشخاص برای پرداخت مالیات در برابر خداوند وظیفه دارند و خداوند دستور داده است که مالیات پرداخت شود و این باور در بسیاری مذاهب وجود دارد. باور دوم در ارتباط با پرداخت مالیات یک باور آشوبگرانه است. زیربنای این باور این است که مردم هیچ وظیفه‌ای برای پرداخت مالیات ندارند زیرا دولت را حائز شرایط دریافت مالیات نمی‌داند و اظهار می‌دارد که دولت برای دریافت مالیات از اشخاص هیچ‌گونه مشروعیت اخلاقی⁷ ندارد. در این وضعیت هیچ چیزی به‌عنوان قرار داد اجتماعی میان شخص و دولت وجود ندارد و همه مالیات‌ها با زور و بدون رضایت شخص اخذ شده‌اند. در باور سوم اجتناب از پرداخت مالیات⁸ در برخی شرایط ممکن است اخلاقی و تحت شرایط دیگری غیر اخلاقی است. این دیدگاه هم در ادبیات موضوع و هم مطابق با نتایج برخی از پیمایش‌ها دیدگاه غالب است (5).

نگرشی که مالیات دهندگان نسبت به فرار مالیاتی دارند، عامل موثر بر اخلاق مالیاتی آن‌هاست. به عبارتی، هر چه فرار مالیاتی در نظر مالیات دهندگان عمل زشت و ناپسند تلقی شود، باعث می‌شود که اخلاق مالیاتی آنها بالاتر و به تبع فرار مالیاتی‌شان کمتر شود. در مطالعه یک محقق، به چهار جنبه بسیار مهم در توضیح فرار مالیاتی اشاره دارد:

1. تا زمانی که افراد/بنگاه‌ها باور نداشته باشند که دولت پاسخگوی خواسته‌های آنهاست، حتی اگر دولت صادق باشد، تلاش خواهند کرد که از مالیات‌هایشان فرار کنند.
2. تا زمانی که افراد/بنگاه‌ها به دولت اعتماد نداشته باشند، مایل به پرداخت مالیات‌هایشان نخواهند بود.
3. تا زمانی که افراد/بنگاه‌ها باور کنند که مالیات پرداختی آنها منصفانه بوده و به صورت عادلانه به کار می‌رود، تمایل بیشتری به پرداخت مالیات‌های خود خواهند داشت.

ضرورت شناخت عوامل بروز و تشدید فرار مالیاتی به دلیل بی‌توجهی به جنبه‌های اخلاقی و ارائه راهکارهایی در این خصوص بحثی در خور مطالعه و بررسی می‌باشد. فرار مالیاتی³ یکی از اساسی‌ترین مشکلات هر نظام مالیاتی محسوب می‌شود که ازجمله عوامل اصلی ایجاد کننده آن می‌توان به خلاء ناشی از اخلاق در بین مودیان مالیاتی اشاره نمود. لذا ضرورت دارد ضمن ریشه‌یابی عوامل مؤثر در شیوع این پدیده مخرب اقتصادی، جهت رفع آن نیز برنامه‌ریزی شود (2).

شمار زیادی از افراد در اغلب موارد بدون توجه به انگیزه‌های مالی که از جانب نظام مالیاتی با آنها مواجه می‌شوند، اقدام به پرداخت مالیات‌های مشمول می‌نمایند و پذیرش مالیاتی و یا به عبارتی پیروی و گردن نهادن به قوانین مالیاتی را نمی‌توان فقط به‌وسیله ملاحظات مالی تشریح نمود (3). اکثر تحقیقات انجام شده در زمینه فرار مالیاتی جنبه تأمین مالی عمومی⁴ و اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند و از نقطه نظر اخلاقی و فلسفی مطالعات کمی در این زمینه صورت گرفته است و این موضوع به این دلیل است که اقتصاددانان سودمند گرا و حقوق دانان، قانون‌گرا می‌باشند. با این حال، پژوهش‌های اندکی نیز فرار مالیاتی را از بعد اخلاقی⁵ و دینی آن مورد مطالعه قرار داده‌اند. اخلاق از ضروری‌ترین نیازهای جامعه انسانی است و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی ریشه اخلاقی دارد. بر این اساس به نوعی اخلاق حلقه گم شده بسیاری از نظریات و تئوری‌ها در نظر گرفته می‌شود که در صورت شناخت تأثیر گذاری آن بر مقولات اجتماعی، می‌تواند بیش از پیش مورد استفاده قرار گیرد (4). مروری بر تحقیقات انجام شده و ادبیات مربوط به اخلاق دینی⁶ و فرار مالیاتی نشان می‌دهد که سه دیدگاه و باور اصلی در این باره وجود دارد. در باور اول، اجتناب از پرداخت مالیات همیشه یا در اکثر مواقع غیراخلاقی است. در خصوص این باور سه منطق اساسی و زیربنایی وجود دارد. منطق اول این است که شخص وظیفه دارد هر آنچه را که دولت مطالبه می‌کند پرداخت نماید. این باور به خصوص در جوامع دموکراتیک وجود دارد، جوامعی که باور قوی این است که شخص باید از قانون اکثریت تبعیت نماید. منطق دوم در خصوص وظیفه اخلاقی بودن پرداخت

همچنین، در سطح اطمینان 95% متغیر اخلاق مالیاتی اثر مثبت و معناداری بر تمکین مالیاتی دارد(1).

علاوه بر نگرش فردی¹⁴، آئین اخلاق حرفه‌ای مشاغل نیز عاملی تاثیرگذار بر اخلاق می‌باشد. از آن‌جا که داشتن اخلاق یکی از نیازهای لازم برای دستیابی به اهداف عالی یک سازمان می‌باشد، از این رو در یک سازمان یا نهاد اداری و یا یک مجموعه کاری تمام افراد شاغل در آن نهاد باید پایبند به مسائل اخلاقی باشند و حسابداران نیز از این امر مستثنی نیستند و باید به تمامی مسائل و جوانب مربوط به اخلاق در حیطه کاری پایبند باشند. آئین رفتار حرفه‌ای حسابداری، دامنه گسترده‌ای از تصمیم‌گیری‌های اخلاقی¹⁵ و تصمیم‌گیری‌های مربوط به انتخاب روش‌ها و سیاست گذاری‌ها در حسابداری را شامل می‌شود (10). تصمیم‌گیری اخلاقی عبارت است از به کارگیری اصول و موازین اخلاقی در ارزیابی صحت یک تصمیم(11). حسابداران به عنوان گزارش‌کننده و واسطه مالی بین شرکت و بازار سرمایه، دارای مسئولیت خطیری در برابر جامعه هستند. اعمال غیراخلاقی حسابداران ضمن مخدوش نمودن اعتماد عموم به حرفه حسابداری و گزارشگری، در عملکرد کارایی نظام مالیاتی نیز اختلال ایجاد می‌کنند. اخلاق حسابداری آنچنان ضرورت دارد که موضوع آموزش اخلاق حسابداری در دانشگاه از سال 1980 مطرح شد و در سال 1989 توصیه شد درس اخلاق حسابداری به عنوان بخشی از آموزش حسابداران حرفه‌ای در دانشگاه‌ها ایجاد گردد (12).

محققان ویژگی‌های اخلاق حسابداری را به شرح زیر بیان نمودند:

1. صداقت و قابلیت اعتماد ایجاد می‌کند.
2. وظایف حرفه‌ای را در انطباق با مقررات شرکت و استانداردهای اخلاقی هدایت می‌کند.
3. وظایف حرفه‌ای را در انطباق با قوانین هدایت می‌کند.
4. از اطلاعات محرمانه (پنهانی) محافظت می‌کند.
5. برای حرفه اعتبار ایجاد می‌کند.
6. برای منافع عمومی احترام قائل می‌شود.
7. تضاد منافع را از بین می‌برد.
8. برای سازمان تعهد و وفاداری ایجاد می‌کند(8).

4. تا زمانی که افراد/ بنگاه‌ها تصور کنند که افراد/ بنگاه‌های دیگر سعی در فرار مالیاتی دارند، آنها هم در فرار از پرداخت مالیاتشان تلاش خواهند کرد. (6).

دو محقق، به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و سطح رضایت‌مندی فردی⁹ افراد در چهارده کشور اروپای مرکزی و شرقی پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق آنها نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و سطح رضایت‌مندی افراد رابطه منفی وجود دارد. به عبارتی هر چه سطح رضایت‌مندی فردی افراد بالاتر باشد، اجتناب مالیاتی کمتر خواهد بود(7).

دو پژوهشگر نیز با استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی رابطه بین آگاه‌سازی مالیات دهندگان، اجتماعی کردن مالیات، مجازات‌های مالیاتی¹⁰، هزینه‌های قابل قبول و پذیرش مالیاتی¹¹ با کیفیت خدمات به عنوان یک متغیر میانجی‌گر پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق آنها حاکی از آن است که کیفیت خدمات نقش واسطه‌ای کامل در رابطه با آگاه‌سازی مالیات دهندگان، مجازات‌های مالیاتی، هزینه‌های قابل قبول و پذیرش مالیاتی دارد(8). دو محقق، در پژوهشی رابطه اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم¹² با تمایل مدیران مالی به مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های فرار مالیاتی، را مورد بررسی قرار دادند. براساس یافته‌های پژوهش آنها، بین میزان اعتقاد مدیران مالی به اخلاق شرکتی و پذیرش مسئولیت اجتماعی و میزان مخالفت آنها با برنامه‌های فرار مالیاتی، رابطه منفی وجود دارد. همچنین، بین میزان گرایش ماکیاولیستی مدیران مالی و میزان اعتقاد آنها به اخلاق شرکتی و مسئولیت اجتماعی¹³ و نیز بین میزان گرایش ماکیاولیستی مدیران مالی و میزان مخالفت آنها با برنامه‌های فرار مالیاتی، رابطه منفی وجود دارد(9). پژوهشگران در تحقیقی تأثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان شهر اصفهان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان می‌دهد که متغیرهای نگرش نسبت به فرار مالیاتی، هنجارهای اجتماعی و اعتماد به دولت و سیستم مالیاتی، حقوقی و قضایی در سطح اطمینان 95% و متغیر سن در سطح اطمینان 90% اثر مثبت و معناداری بر اخلاق مالیاتی دارند.

روش

پژوهش حاضر برحسب هدف، کاربردی است و از نظر ماهیت و روش اجراء از نوع پژوهش‌های پس رویدادی می‌باشد. جامعه آماری شامل دانشجویان رشته‌های علوم اداری شهر کرمان می‌باشد. به منظور انتخاب نمونه تعداد 520 پرسشنامه بین دانشجویان رشته‌های علوم اداری شهر کرمان به طور تصادفی توزیع شد که در نهایت تعداد 492 عدد پرسشنامه به صورت کامل و صحیح دریافت شد. جدول شماره (1) ویژگی‌های جمعیت شناختی مربوط به پژوهش را نشان می‌دهد. از 492 پاسخ دهنده 281 نفر آنها زن و 211 نفر مرد بوده‌اند و همچنین از این 492 پاسخ دهنده 221 نفر در رشته حسابداری، 167 نفر در رشته مدیریت و 89 نفر در رشته اقتصاد مشغول به تحصیل می‌باشند.

ابزار گردآوری داده‌های تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه می‌باشد. پرسشنامه در اختیار 5 نفر از اعضای نمونه و همچنین استادان مجرب و صاحب نظر در این حوزه قرار گرفت و روایی محتوایی پرسشنامه به تأیید رسید. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه مطرح شده 0/914 می‌باشد، بنابراین پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار است.

در نهایت اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (مقدار میانگین و مقایسه میانگین‌ها) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

برای آزمون کردن فرضیات میانگین نمرات را به 3 دسته تقسیم می‌شود:

(1) اگر میانگین نمرات داده شده 2/5 یا کمتر از 2/5 باشد، بدین معناست که اجتناب از پرداخت مالیات همیشه یا اغلب اوقات اخلاقی است.

(2) اگر میانگین نمرات داده شده بیشتر از 2/5 یا کمتر از 5/5 باشد، بدین معناست که اجتناب از پرداخت مالیات برخی مواقع اخلاقی است.

مطالب فوق‌الذکر آشکارا بیانگر این واقعیت هستند که حساسیت بالای حرفه حسابداری و نقش آن در ایفای مسئولیت پاسخگویی مستلزم رعایت اخلاق فردی و حرفه‌ای حسابداران در سطح بالا می‌باشد. دو محقق به بررسی تأثیر آموزش و بسترسازی رشد اخلاقی طی دوران تحصیل دانشجویان حسابداری پرداختند، یافته‌های آنها نشان داد که وجود این آموزش‌ها طی دوران تحصیل با یک دید مستمر و مداوم (و نه به صورت موقتی) منجر به کاهش فرار مالیاتی و تمایل به بروز رفتارهای اخلاقی در دانشجویان می‌شود (13).

جنسیت نیز از عواملی است که می‌تواند با اخلاق مالیاتی رابطه داشته باشد. بیشتر محققان عنوان می‌کنند که زنان از اخلاق مالیاتی عمیق‌تری نسبت به مردان برخوردارند و به شکل مرسوم زنان به قوانین اجتماعی، محدودیت‌های اخلاقی و الگوهای محافظه‌کارانه در زندگی بیشتر از مردان پایبند هستند اما با گسترش آزادی‌های فردی و شکل‌گیری استقلال در بین زنان شکاف تمکین مالیاتی در بین زنان و مردان در حال کاهش است (14).

با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌های تجربی فوق، هدف از انجام این تحقیق تبیین رابطه بین اخلاق فردی، اخلاق حرفه‌ای حسابداران، جنسیت و تمکین مالیاتی است.

جدول 1. ویژگی‌های جمعیت شناختی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	0/57
	مرد	0/43
رشته	حسابداری	0/45
	مدیریت	0/34
تحصیلی	اقتصاد	0/18
	بدون جواب	0/03
مقاطع	دکتر	0/06
	کارشناسی ارشد	0/27
	کارشناسی	0/67

می‌شوند. همانطور که در جدول شماره (3) مشخص است، میانگین نمرات داده شده توسط دانشجویان رشته حسابداری در 12 پرسش بالاتر از میانگین نمرات داده شده توسط دانشجویان رشته‌های مدیریت و اقتصاد است.

همچنین نتیجه آماره t مقایسه میانگین گروه‌ها ($t = 1/983$) $p < 0/05$ این یافته را تأیید می‌کند. بنابراین براساس نتایج به دست آمده فرضیه (4) تحقیق مبنی بر این که دانشجویان رشته حسابداری در مقایسه با دانشجویان رشته اقتصاد و مدیریت کمتر به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی تمایل دارند، تأیید می‌گردد.

بحث

مالیات یکی از توانمندترین ابزارهای اقتصادی با کارکردهای گوناگون است که باعث تنظیم اقتصاد جامعه می‌گردد. عواملی مانند، برخورد نامناسب با مالیات دهندگان، مسئولیت‌پذیری شهروندان، قوانین شفاف و قابل درک، عادلانه بودن قوانین، عدم شفافیت و ضعف در سیستم اجرایی، عدم وجود عدالت اجتماعی، احساس دین به جامعه، سیستم ناکارآمد سازمان مالیاتی، نرخ مالیاتی بالا، عدم وجود متخصصین کارآمد و با تجربه، بی‌اعتمادی مردم به سیاست‌های مالیاتی، فراگیر بودن فرار مالیاتی، مقاومت در پرداخت، روش‌های نادرست اخذ مالیات، فساد مسئولان و بی‌عدالتی مالیاتی، از جمله عوامل تأثیرگذار بر تمکین مالیاتی هستند. پژوهش حاضر به بررسی تعدادی از عوامل مؤثر بر اخلاق مالیاتی می‌پردازد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که مؤدیان مالیاتی اجتناب از پرداخت مالیات را در برخی از موارد اخلاقی می‌دانند. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که از دیدگاه پاسخ دهندگان موجه‌ترین حالت برای اجتناب از پرداخت مالیات هنگامی است که انتظار رود که بخش با اهمیتی از مالیات‌های وصولی به جیب سیاستمداران فاسد، فامیل و آشنایان آنها می‌رود. همچنین بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها

(3) اگر میانگین نمرات داده شده 5/5 یا بیشتر از 5/5 باشد، بدین معناست که اجتناب از پرداخت مالیات هرگز یا تقریباً هرگز اخلاقی نیست. پرسشنامه دارای طیف 7 گزینه‌ای لیکرت می‌باشد. نمره 7 به معنای کاملاً مخالف و نمره 1 به معنای کاملاً موافق می‌باشد. در جدول شماره (2) پرسش‌ها به ترتیب میانگین نمرات داده شده به آنها آورده شده‌اند. همانطور که جدول شماره (2) نشان می‌دهد، میانگین کل نمرات داده شده به پرسش‌ها 4/93 می‌باشد که نشان دهنده این است که پاسخ دهندگان اجتناب از پرداخت مالیات را در برخی مواقع اخلاقی می‌دانند. لذا فرضیه شماره (1) تحقیق مبنی بر این که پاسخ دهندگان اجتناب از پرداخت مالیات را در برخی از موارد اخلاقی می‌دانند، تأیید می‌شود. موجه‌ترین حالت برای اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات که کمترین نمرات را اخذ کرده‌اند، مربوط به سؤالات مطرح شده در خصوص فساد سیاستمداران، خانواده و دوستان آنها و همچنین ناکارایی دولت در وصول مالیات‌ها و استفاده از منابع مالیاتی می‌باشد. بنابراین بر اساس نتایج پژوهش فرضیه (2) تحقیق مبنی بر این که افراد در مواردی که پرسش مربوط در ارتباط با ناکارایی دولت در استفاده از منابع و فساد دولت باشد، اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی تر است، تأیید می‌گردد. برای آزمون فرضیه سوم، میانگین نمرات داده شده به هر پرسش توسط زن‌ها و مردها در جدول شماره (2) به طور مجزا آورده شده است و با هم مقایسه می‌شوند. همانطور که در جدول شماره (2) مشخص است، میانگین نمرات مردها در 8 پرسش و میانگین نمرات زن‌ها در 6 پرسش بالاتر است و در یک مورد میانگین نمرات داده شده برابر می‌باشد. همچنین نتیجه آماره t ($p > 0/05$ و $t = 0/073$) این یافته را تأیید می‌کند. لذا فرضیه شماره (3) تحقیق مبنی بر اینکه زن‌ها بیش از مردها از اجتناب مالیاتی پرهیز می‌کنند، رد می‌شود.

برای آزمون فرضیه چهارم، میانگین نمرات داده شده به هر پرسش توسط دانشجویان رشته‌های حسابداری و مدیریت و اقتصاد در جدول شماره (3) به طور مجزا آورده شده است و با هم مقایسه

سیاست‌گذاری مقامات مالیاتی برای ارتقای فرهنگ و اخلاق مالیاتی مثرتر واقع گردد. بنابر نتایج حاصل از کار پیشنهاد می‌شود، دولت نحوه مصرف همه وجوه دریافتی را در قالب صورت‌های مالی و در ایفای مسئولیت پاسخگویی خود، به صورت واضح و شفاف به عموم مردم ارائه کند تا آنها از مصرف صحیح و اثربخش منابع اطمینان حاصل نمایند، زیرا در صورت شفاف بودن دخل و خرج منابع دولت، افراد فرار از پرداخت مالیات را اخلاقی نمی‌دانند. همچنین شفاف‌سازی منابع مصرف مالیات باعث کاهش فساد و ترغیب بیشتر افراد به پرداخت مالیات می‌گردد. همچنین با توجه به این که حسابداران به‌عنوان گزارش‌دهنده و واسطه مالی بین شرکت و بازار سرمایه، دارای مسئولیت خطیری در برابر جامعه می‌باشد و اعمال غیراخلاقی آنها ضمن مخدوش نمودن اعتماد مردم به حرفه حسابداری در کارایی نظام مالیاتی نیز اختلال ایجاد می‌کنند، پیشنهاد می‌گردد در سر فصل دروس دانشجویان رشته‌های مرتبط با امور مالیاتی همچون حسابداری، چند واحد درسی تحت عنوان اخلاق حرفه‌ای گنجانده شود. در پایان این بخش لازم به ذکر است که اصلی‌ترین محدودیت این تحقیق، محدودیت ذاتی مربوط به استفاده از پرسشنامه است.

می‌توان دریافت که هنگامی افراد به این نتیجه برسند که سیستم وصول مالیات ناعادلانه و نامناسب می‌باشد و بخش بزرگی از مالیات‌های وصولی به هدر می‌رود و به‌صورت بهینه مصرف نمی‌گردد، افراد اجتناب از پرداخت مالیات را اخلاقی‌تر می‌دانند. همچنین با توجه به میانگین نمرات به‌دست آمده می‌توان دریافت که هنگامی که بخش بااهمیتی از مالیات‌های وصولی صرف جنگی شود که به نظر افراد ناعادلانه است، نیز افراد اجتناب از پرداخت مالیات را اخلاقی‌تر می‌دانند. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش انجام شده پژوهشگری در هنگ‌کنگ مطابقت دارد (7). همچنین فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه زن‌ها بیش‌تر از مردها از اجتناب مالیاتی پرهیز می‌نمایند، مورد تأیید قرار نگرفت که می‌تواند مؤید این مطلب باشد که با گسترش آزادی‌های فردی و شکل‌گیری استقلال در بین زنان، شکاف تمکین مالیاتی در بین زنان و مردان در حال کاهش است (14) نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهشی بر روی مودیان مالیاتی شهر اصفهان مطابقت دارد (1).

همچنین نتایج حاکی از آن است که دانشجویان رشته حسابداری در مقایسه با دانشجویان رشته اقتصاد و مدیریت تمایل کمتری به اجتناب از پرداخت مالیات دارند.

نتایج حاصل از این تحقیق کمک شایانی به سازمان امور مالیاتی در ارائه روش‌های کارا و اثر بخش برای ارتقای اخلاق و تمکین مالیاتی می‌کند. همچنین یافته‌های این تحقیق می‌تواند در

جدول 2. نتایج آزمون فرضیه‌های اول، دوم، سوم

ردیف	گزاره	کل	زن	مرد
1	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر بخش با اهمیتی از مالیات‌های وصولی به جیب سیاستمداران فاسد و فامیل و آشنایان آنها برود.	2/9	3/1	2/6
2	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر سیستم وصول مالیات ناعادلانه و نامناسب باشد.	3/1	3/3	2/8
3	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر بخش بزرگی از مالیات‌های وصول شده به هدر می‌روند.	3/9	3/7	4/2
4	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر بخش با اهمیتی از مالیات‌های وصولی صرف جنگی بشوند که به نظر من عادلانه نیست.	4/1	3/9	4/4
5	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر بخش بزرگی از مالیات‌های وصول شده در پروژه‌هایی هزینه می‌شوند که من با آنها موافق نیستم.	4/1	3/8	4/42
6	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر من استطاعت مالی پرداخت آن را نداشته باشم.	4/6	4/3	5/08
7	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر نرخ‌های مالیات بسیار باشند.	5/2	4/8	5/7
8	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر سودآوری مالیات‌های وصولی کم باشد.	5/2	5/1	5/4
9	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است، اگر مالیات‌های وصول شده در پروژه‌هایی هزینه می‌شوند که به من منفعت نمی‌رسانند.	5/5	5/8	5/1
10	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر نرخ مالیات بالا نباشد. زیرا دولت واجد شرایط اخذ مالیات از من نیست.	5/8	5/7	6
11	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر مالیات‌های وصول شده به صورت عاقلانه و هدفمند هزینه می‌شوند.	5/8	6/2	5/2
12	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر همه اقدام به این کار می‌کنند.	5/8	6/2	5/3
13	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر مالیات‌های وصول شده در پروژه‌های ارزشمند هزینه می‌شوند.	5/9	6/1	5/6
14	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر بدین معنا باشد که اگر من مالیات کمتری پرداخت کنم، دیگران باید مالیات بیشتری پرداخت کنند.	6	5/8	6/3
15	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر مالیات‌های وصول شده در پروژه‌هایی هزینه می‌شوند که به من منفعت نمی‌رسانند.	6/1	6/1	6/12
16	میانگین	4/93	4/92	4/95

جدول 3. نتایج آزمون فرضیه چهارم

ردیف	گزاره	کل	حسابداری	سایر
1	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر بخش با اهمیتی از مالیات‌های وصولی به جیب سیاستمداران فاسد و فامیل و آشنایان آنها برود.	2/9	3/4	2/5
2	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر سیستم وصول مالیات ناعادلانه و نامناسب باشد.	3/1	3/5	2/7
3	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر بخش بزرگی از مالیات‌های وصول شده به هدر می‌روند.	3/9	5	3/01
4	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر بخش با اهمیتی از مالیات‌های وصولی صرف جنگی بشوند که به نظر من عادلانه نیست.	4/1	4/8	3/5
5	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر بخش بزرگی از مالیات‌های وصول شده در پروژه‌هایی هزینه می‌شوند که من با آنها موافق نیستم.	4/1	4/7	3/6
6	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر من استطاعت مالی پرداخت آن را نداشته باشم.	4/6	5/5	3/9
7	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر نرخ‌های مالیات بسیار بالا باشند.	5/2	5/6	4/88
8	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر سودآوری مالیات‌های وصولی کم باشد.	5/2	5/35	5/1
9	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است، اگر مالیات‌های وصول شده در پروژه‌هایی هزینه می‌شوند که به من منفعت نمی‌رسانند.	5/5	5	5/9
10	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر نرخ مالیات بالا نباشد. زیرا دولت واجد شرایط اخذ مالیات از من نیست.	5/8	6/1	5/5
11	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر مالیات‌های وصول شده به صورت عاقلانه و هدفمند هزینه می‌شوند.	5/8	6/2	5/64

6	5/6	5/8	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است اگر همه اقدام به این کار می‌کنند.	12
5/6	6/2	5/9	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر مالیات‌های وصول شده در پروژه‌های ارزشمند هزینه می‌شوند.	13
5/8	6/2	6	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر بدین معنا باشد که اگر من مالیات کمتری پرداخت کنم، دیگران باید مالیات بیشتری پرداخت کنند.	14
6/2	6	6/1	اجتناب از پرداخت مالیات اخلاقی است حتی اگر مالیات‌های وصول شده در پروژه‌هایی هزینه می‌شوند که به من منفعت می‌رسانند.	15
4/65	5/28	4/93	میانگین	16

نتیجه‌گیری

مطابق با نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان دریافت که شفاف سازی در نحوه مصرف منابع مالیاتی می‌تواند کمک شایانی در ارتقای اخلاق مالیاتی در جامعه نماید. به عبارتی در صورتی که دولت خواستار افزایش پذیرش مالیاتی و سپس نگهداشت این سطح از پذیرش در جامعه است، می‌بایست به شهروندان خویش اطمینان دهد که منابع مالیاتی در جهت خدمت رسانی بیشتر به آنها و کمک به بخش‌های مولد اقتصادی مورد مصرف قرار می‌گیرد، در این صورت دیگر مودیان مالیاتی فرار از پرداخت مالیات را امری اخلاقی قلمداد نمی‌کنند و این امر با دسترسی بیشتر دولت به اطلاعات مربوط به ترجیحات افراد، افزایش اعتمادسازی و شفاف سازی دولت در برنامه‌های خود میسر می‌شود. حسابداران نیز در جلوگیری از پدیده فرار مالیاتی نقشی بی‌بدیل دارند، نهادینه کردن اخلاق در حسابداران، مانع تعامل و همکاری آنها با مالکان و مدیران شرکت‌ها در جهت عدم پرداخت مالیات می‌شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده اخلاق امانتداری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

سپاسگزاری

پژوهشگران تحقیق حاضر بر خود لازم می‌دانند که از همکاران محترم، خصوصاً سرکار خانم صالحی و همه دانشجویانی که در پژوهش حاضر شرکت کرده‌اند، تشکر و قدردانی نمایند.

واژنامه

1. Public goods	کالاهای عمومی
2. Social justice	عدالت اجتماعی
3. Tax evasion	فرار مالیاتی
4. Public finance	تامین مالی عمومی
5. Ethic dimension	بعد اخلاقی
6. Religious Ethics	اخلاق دینی
7. Moral legitimacy	مشروعیت اخلاقی
8. Tax avoidance	اجتناب از پرداخت مالیات
9. Personal satisfactory	رضایت مندی فردی
10. Tax punishments	مجازات‌های مالیاتی
11. Tax acceptance	پذیرش مالیاتی
12. Machiavalianism	ماکیاولیسم
13. Social responsibility	مسئولیت اجتماعی
14. Individual attitudes	نگرش فردی
15. Ethical decisions	تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

9. Diyanati Deylami Z. pour Parvaresh R. (2015). The relationship between corporate ethics, social responsibility, Machiavellianism and tax avoidance. *Ethics in Science and Technology*; 9(4): 1-12. (In Persian).
10. Ahadiat N, Mackie, J. (1993). Ethics education in accounting: an investigation of the importance of ethics as a factor in the recruiting decision of public accountancy firms. *Journal of Accounting Education*; 11(2): 243-257.
11. Razavi Zand N, Nonahal Nahr A. (2016). The effect of thinking capital and environmental outputs on ethical behaviors of auditors. *Ethics in Science and Technology*; 11(2): 123-134. (In Persian).
12. Armstrong M B. (2003). *Ethics and professionalism for CPAs*. Cincinnati: South Western Publishing co.
13. Madison RL, Schmidt JJ. (2006). Survey of time devoted to ethics in accountancy programs in North American colleges and universities. *Issues in Accounting Education*; 21(2): 99-109.
14. Torgler B, Valev, N. (2010). Gender and public attitudes toward corruption and tax evasion. *Contemporary Economic Policy*; 28 (4): 554-568.

Reference

1. Sameti M, Amiri H, Heydari Z. (2016). The effect of tax morale on tax compliance. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*; 23 (75): 231-262. (In Persian).
2. Zehi N, Mohammadkhani S. (2010). A study on factors affecting tax evasion. *Journal of Tax Research*; 18(9): 25-60. (In Persian).
3. Razmi SMJ, Kavosi, SH. (2015). The mediator role of tax morale in relationship between social capital and tax compliance. *Ethics in Science and Technology*; 10(2): 73-82. (In Persian).
4. Salehi SR, Karimi A. (2016). The role of social ethics on social and public safety. *Ethics in Science and Technology*; 11(1): 11-18. (In Persian).
5. McGee R, Simon SM.H (2006). The ethics of tax evasion: A survey of accounting, business and economic students in Hongkong. Available at: SSRN: <https://ssrn.com/abstract=869306>. Accessed: January 6, 2006.
6. Wintrobe R. (2001). *Tax evasion and trust*. Canada: UWO Department of Economics, University of Western Ontario, Department of Economics.
7. Ferrer Carbonell A, Gerxhani K. (2016). Tax evasion and well-being: A study of the social and institutional context in central and Eastern Europe. *European Journal of Political Economy*.
8. sarvitri E, Fialdy M. (2016). The Effect of Taxpayer Awareness, Tax socialization, Tax Penalties, Compliance Cost at Taxpayer Compliance with Service Quality as Mediating Variable. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*; 219: 682-687